

سیمای فرهنگی روستا فارسیان گالیکش



ابوذر خسروی *

فارسیان از توابع شهرستان گالیکش از قدیمی‌ترین روستاهای شرق ایالت جرجان و استرآباد است که نخستین ساکنان آن فارس‌هایی بودند که بعد از ویرانی شهر تاریخی جرجان توسط مهاجمان شمال شرقی، از دشت گرگان کوچ کرده و به دامنه‌های البرز پناه آوردند. گویش تاریخی فارسیان که استمرار گویش «پارسی گرگانی» (شهر جرجان) است پشتوانه‌ی اثبات این فرضیه است. این روستا در دهستان نیلکوه بخش مرکزی گالیکش واقع شده است. این روستا ۱۴۲ خانوار و ۵۰۰ نفر جمعیت دارد.^۱ هر چند این آمار در سال ۱۲۷۶ در دوره قاجار ۳۶۰ خانوار و ۱۶۹۴ نفر بود^۲ رتبه ششم جمعیت در ایالت استرآباد را داشته و جمعیت آن از رامیان و حاجیلر بیشتر بوده است که خود نشانه رونق بیشتر این روستا در گذشته نسبت به امروز آن است.

* پژوهشگر تاریخ و فرهنگ عامه

۱- سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

۲- نخبه سیفیه، قورخانچی/ص ۱۳۱

سیر تاریخی نام فارسین

نام فارسین در قبایله‌های تاریخی و اسناد رسمی به صورت فارسین، پرسین، قلعه فارسین، فارسین کوهسار، فارسین کوهسار، فارسین فرنگ و فارسین ذکر شده است. البته در استان گلستان روستای دیگری نیز به همین نام قرار دارد که در بخش چشمه‌ساران شهرستان آزادشهر واقع شده است.

وجود فارسین قانچی و فارسین گالیکش در یک بلوک تاریخی (فندرک، رامیان و کوهسار) باعث شد تا در اوایل دوره حکومت ناصرالدین شاه و جهت جلوگیری از بروز اشتباه بین این دو روستای هم نام، ابتدا واژه‌ی «کوهسار» را به آخر اسم این فارسین، اضافه کردند و در اواخر دوره ناصرالدین شاه، واژه‌ی «فرنگ» را بعد از اسم فارسین آوردند. البته برخی از منابع همچون مخابرات استرآباد، گرگان نامه و «از آستارا تا استرآباد» از نام «فرنگ فارسین» نیز برای این روستا استفاده کرده‌اند.

فارسین در گذشته به علت کثرت جمعیت دارای قاضی، سلطان، کلانتر، ده‌باشی و یوزباشی بوده است. مهدی قاضی پرسینانی، تقی سلطان، نوروز محمدکلانتر، ده‌باشی علینقی، خانسوار یوزباشی از رجال سیاسی، نظامی و قضایی فارسین در دوره قاجاریه بودند که نامشان در قبایله‌های تاریخی آمده است. انگرا (آهنگرها)، رنگرها، زرگرها، دلاک‌ها و مسگرها از جمله اصناف تاریخی فارسین محسوب می‌شوند.

مطابق آثار و اسناد و شواهد تاریخی، فارسین از بیش از سه هزار سال قبل تاکنون محل سکونت اجتماعات انسانی بوده است که در این نوشتار به‌طور مختصر به آن اشاره شده است.

فارسین در دوره قبل از اسلام

تاکنون چهار نشانه مهم و قابل توجه در منابع معتبر تاریخی و آثار برآمده از محوطه‌های باستانی فارسین پیدا شده است که بیانگر تاریخ فارسین در دوره باستانی است:

الف) وجود قبرهای خمره‌ای و جسدهای قنچول (پاها جمع شده به طرف شکم) در فارسین
بر اساس شواهد عینی اهالی روستای فارسین تاکنون در سه نقطه این روستا یعنی هگرتل، کله دره و میان تخته قبرهای خمره‌ای و جسدهایی که پاها به طرف شکم جمع بوده، پیدا شده که ظاهراً در یکی از آن‌ها برخی لوازم ساده زندگی هم بوده است. این آثار نشان‌دهنده سکونت اجتماعات انسانی در عصر آهن در روستای فارسین است، چون گذاشتن اجساد مردگان در قبرهای خمره‌ای یا دفن مردگان به صورت قنچول و پاها جمع شده به طرف شکم، از سنت‌های مردم ایران در عصر آهن است.

چنین مواردی در دیگر جاهای استان گلستان فعلی مثل آق‌تپه و روستای یساقی و در مازندران (بهشهر) نیز توسط باستان‌شناسان شناسایی شده است که نشان می‌دهد همه این موارد در یک حوزه تمدنی بوده‌اند. لذا وجود آثار برآمده از محوطه‌های تاریخی فارسین که متعلق به دوره‌های کهن و عصر آهن است استمرار همان سنت و فرهنگ و تمدن رایج در

حوزه تمدن شمال کشور و حاشیه البرز کوه است و حکایت از قدمت چند هزارساله تمدن انسانی در این روستا دارد.

ب) تپه پاکندس

این تپه باستانی که اولین اثر تاریخی ثبت شده روستای فارسیان در فهرست آثار ملی کشور است، طبق نظر کارشناسان میراث فرهنگی مربوطه به دوره تاریخی تا دوره اسلامی است و دارای چند هزار سال قدمت است که متأسفانه مورد غارت سوداگران عتیقه قرار گرفته و به شدت تخریب شده است. از دیگر تپه‌های مشابه این تپه، می‌توان از تپه مراد، تپه ایشی و تپه کله قو نام برد که بدون تردید از نظر قدمت همچون تپه پاکندس می‌باشند. بیش از بیست تپه تاریخی در محدوده جغرافیای سیاسی فارسیان وجود دارد.



فارسیان گالیکش

ج) قورپ‌های (غارهای) شی کمر

این غارهای کهن و آهکی، طبق نظر برخی محققین، دخمه‌های عصر ماد یا هخامنشی هستند که اگر این نظر مورد تأیید کارشناسان میراث فرهنگی قرار گیرد حکایت از قدمت ۲۵۰۰ ساله‌ی این غارها دارد و استمرار سنت دفن مردگان در دوره هخامنشی در روستای فارسیان است. چنین گور دخمه‌هایی در برخی روستاهای اطراف فارسیان و منطقه دشت مشاهده شده است.

د) عبور اسکندر

از دیگر نشانه‌های تاریخی فارسیان در دوره هخامنشی سخن مورخ غربی یعنی سایکس، نویسنده تاریخ ایران در مورد عبور اسکندر مقدونی از مسیر فارسیان به سوی گرگان است.

اسکندر و لشکریانش باید از طریق یکی از دو راه وارد ایالت وهرکان (گرگان) شده باشند. یا از طریق دره حاصلخیز گرگان (گنبد فعلی) یعنی پورسیان (فارسین) و ناردین (نردین) و یا از تنگه گرگان (قدیم) که هر دو از چمن کالپوش عبور می‌کردند. اسکندر حتی در اینجا (چمن کالپوش) اردو زد و لشکریان را استراحت داد.^۳ آنچه نظر این مورخ را در مورد عبور لشکر اسکندر از منطقه کالپوش و فارسین به گرگان تأیید و تقویت می‌کند این است که در دوره اسلامی این گذرگاه، محل عبور لشکریان هلاکوخان، تیمور لنگ، آقا محمدخان قاجار و ناصرالدین شاه بوده است و نشان می‌دهد که تمام لشکریانی که از مسیر خراسان وارد ایالت تاریخی و شهر گرگان قدیم که اکنون گنبدکاووس شده است، می‌شده‌اند، یکی از راه‌های ورودی آن‌ها مسیر کالپوش، فارسین، بوده است و در این هیچ تردیدی وجود ندارد و این مسیر از دوره اسکندر و هخامنشیان تاکنون بیش از ۲۵۰۰ سال محل عبور لشکریان اقوام مهاجم بوده است. کاوش‌های باستان‌شناسی در این منطقه می‌تواند لایه‌های بسیار گران قدر تاریخی را برای ما آشکار نماید.

فارسین در دوره اسلامی

از آثار برآمده و قباله‌های تاریخی با قدمت بیش از ۳ قرن و اسامی برخی مکان‌ها در فارسین می‌توان به موارد زیر در مورد تاریخ فارسین دوره اسلامی اشاره کرد:

آثار برآمده از محوطه تاریخی «ایشی» که شامل ظروف رنگی و شیشه‌ای و کوزه‌های شکسته و برخی لوازم زندگی می‌باشد مربوط به دوره اسلامی است. این منطقه یکی از قدیمی‌ترین محل‌های سکونت مردم در دوره اسلامی است و قلعه تاریخی و طبیعی «سر حصار» در ضلع جنوب غربی آن قرار دارد. به نظر می‌رسد طبق قرائن موجود، ساکنان قدیم منطقه ایشی (فارسین قدیم) بعد از یک سری از وقایع تاریخی، با فاصله حدود پانصد متر، به محل فعلی روستای فارسین جابه‌جا شده و فارسین جدید را تأسیس کرده باشند. پیدا شدن چاه‌های پر از ظروف مورد استفاده مردم در منطقه ایشی، این احتمال را تقویت می‌کند که ساکنان این سایت مسکونی تاریخی مورد هجوم غارتگران قرار گرفته بودند.

از دیگر نشانه‌های دوره اسلامی روستای فارسین، وجود چندین قبرستان تاریخی است که قبرها رو به قبله می‌باشند و متعلق به دوره اسلامی است. محوطه مسکونی و قبرستان اسلامی پاکندس و قبرستان اسلامی «بام علی یار» نمونه‌هایی از آنهاست که متأسفانه مورد حفاری گسترده و شبانه‌روزی گنج‌یاب‌ها قرار گرفته‌اند.

فارسین در دوره ایلخانی و تیموری

وجود اسامی مکان‌ها در محدوده فارسین می‌تواند نشانگر برخی از وقایع تاریخی در این روستا باشد. وجود مکانی به نام «یال هلاکو» می‌تواند اشاره‌ای به نام هلاکوخان بنیان‌گذار حکومت ایلخانان و نوه چنگیز خان باشد. آنچه این نظر را تقویت می‌کند این است که طبق منابع تاریخی شاهزادگان ایلخانی به خصوص غازان خان در دوره شاهزادگی خود در

۳- (سایکس، تاریخ ایران، ج ۱، ص ۲۵۳)

محدوده‌ی جرجان قدیم تا چناشک و کالپوش را تحت تصرف داشته و در این منطقه بیلاق و قشلاق می‌کرده‌اند.

نام دیگری که ما را به یاد عبور لشکر تیمور لنگ از مسیر کالپوش و فارسیان می‌اندازد، «تمردر» یا «تیمور دره» است. نکته جالب اینجاست که فارسیانی‌ها نام این محل را از گذشته تاکنون به‌صورت «تمردر» تلفظ می‌کنند نه «تیمور دره» و در منابع معتبر و دست‌اول تاریخی متعلق به سرزمین‌های ترک‌زبان مثل تاریخ رشیدی که در اواخر دوره تیموری نوشته‌شده است تیمور را به‌صورت «تمر» ثبت کرده‌اند و نشان می‌دهد که این نام ترکی بر زبان مردم فارسیان به‌صورت اصیل آن حفظ شده است. بازماندگان تیمور لنگ مثل حسین بایقرا و وزیرش علیشیر نوایی و ابوالقاسم بابر و وزیرش خواجه کلان در منطقه امام‌زاده عبدالله حیدرآباد (کلاله - گالیکش) آثاری از خود باقی گذاشته‌اند و سنگ‌قبر خواجه کلان با قدمت بیش از پانصد و پنجاه سال در قبرستان بی‌بی حلیمه گالیکش کشف و هم‌اکنون در موزه گرگان نگهداری می‌شود.



روستای فارسیان گالیکش

فارسیان در دوره صفوی

خوشبختانه به خاطر وجود چند قباله مهم تاریخی از دوره صفویه در نزد برخی طوایف بسیار قدیمی فارسیان و منابع معتبر دست‌اول تاریخی این دوره، و همچنین سنگ قبر ملک محمدرضا ولد عیسی (وفات ۱۱۴۵ ه. ق) در قبرستان میدانا با قدمت ۲۹۳ سال، اسناد تاریخی معتبرتری نسبت به دوره‌های قبلی در مورد تاریخ فارسیان در دست است. اما مسئله‌ای که باید در مورد تاریخ فارسیان در دوره صفویه مورد توجه دقیق قرار گیرد،

وضعیت، محل سکونت و شناخت دقیق ایل گرایلی در این دوره است. بدون شناخت ایل گرایلی و تاریخ آن در دوره صفویه امکان تدوین تاریخ فارسین در آن دوره قطعاً ناقص و یا غیرممکن خواهد بود. آنچه از قرائن تاریخی و نوشته‌های مورخین برمی‌آید، ایل گرایلی همراه سپاه مغول و بعدها تیمور لنگ از آسیای میانه به سمت ایران و خراسان حرکت کرده و در ابتدا، در ناحیه سملقان خراسان و بخش‌هایی از بجنورد فعلی ساکن شدند. به مرور و با نزدیک شدن به اواخر دوره تیموری و اوایل حکومت صفوی، این ایل در محدوده جاجرم - کالپوش و جلگه آق قمیش گالیکش ساکن می‌شوند و «ایالت گرایلی» را تشکیل می‌دهند و تمام تحولات نظامی و سیاسی این منطقه را تحت‌الشعاع حضور خود می‌کنند. آن گونه که از کتاب عالم آرای عباسی برمی‌آید حاکمان ایالت گرایلی مستقیم توسط پادشاهان صفویه انتخاب یا برکنار می‌شدند. ایالت گرایلی حدفاصل ایالت استرآباد و خراسان قرار داشته است چنان‌که در کتاب مذکور آمده است «ایالت استرآباد از ناحیه شرق متصل به ایالت گرایلی است.»

در سال ۱۱۲۵ هـ ق که مصادف با سال بیستم حکومت شاه سلطان حسین صفوی است، بزرگان فارسین مثل مرحوم کربلایی صفر (جد بزرگ طایفه کربلایی فارسین)، علی رنگرز معروف به علی دراز (از بزرگان طایفه رنگرز فارسین) و عبدالسمیع بیک، ملک و آب و کوه و تپه‌های متصرفی ایل گرایلی در جلگه لوه تا حیدرآباد گالیکش - کلاله را از بزرگان ایل گرایلی همچون رمضان خان ولد اسفندیار و محمد بیک ولد میرزاخان و رحیم بیک یا رحیم خان گرایلی خریداری می‌کنند و ایل گرایلی پس از فروش بخشی از ایالت کوچ خود به بزرگان فارسین، از جلگه لوه تا حیدرآباد کوچ کرده و به طرف رامیان حرکت می‌کنند که بازماندگان آن‌ها در رامیان هنوز ساکن هستند.

شاخه‌ای از ایل گرایلی که در شهر گرایلی واقع در کالپوش زندگی می‌کردند در دوره آقامحمدخان قاجار به سوی مازندران کوچ داده می‌شوند. لذا با توجه به موارد ذکرشده، فارسین در دوره صفوی از نظر تقسیمات کشوری در درون ایالت گرایلی واقع بوده و در زمان حمله ازبکان، تحت حمایت سواران این ایل جنگاور و پرجمعیت بوده است.

در مورد تاریخ فارسین در دوره نادری و زندیه تاکنون اسناد تاریخی یافت نشده ولی طبق مفاد قباله قاضی‌ها، به برخی اسامی بزرگان برمی‌خوریم که متولدین دوره زندیه و نادری بوده‌اند. برخی از اسامی حک شده در سنگ قبرهای قبرستان میدان با قدمت بیش از دویست سال نیز نشان از تعلق آنها به دوره نادری و زندیه دارد.

فارسین در دوره قاجاریه

از نظر تقسیمات کشوری، فارسین در اوایل دوره قاجار در بلوک هشتم ایالت استرآباد یعنی بلوک کوهسار، چناشک و قانچی بوده است و از سال ۱۲۴۷ هـ ق به بلوک فندرسک و رامیان ملحق و یک بلوک جدید تشکیل می‌شود. کلاتران فارسین پس از دریافت حکم

کلانتری خود، حکم کدخدایی روستاهای تابعه‌ی فارسیان را که گاهی شامل روستاهای کاپوش هم می‌شده است صادر می‌کردند و پس از اخذ مالیات، آن را برای حاکم فندرسک و رامیان ارسال کرده و احتمالاً بخشی از آن را صرف هزینه‌های صد سوار تفنگچی مستقر در فارسیان می‌کردند، چون فارسیان از اوایل دوره قاجاریه و احتمالاً قبل از آن پایگاه استقرار یوزباشی یا فرمانده صد سوار تفنگچی بوده است. برخی کلانتران فارسیان عبارت بودند از: نوری کلانتر، نوروز محمد کلانتر، علی کلانتر و فتحعلی کلانتر که احکام کلانتری خود را از خان‌ها و سادات موسوی فندرسکی همچون میرزا سعدالله اول، میرعلینقی (دوم) سرتیپ، میرزا سعدالله دوم و مهدی شاه دریافت کرده بودند.

طبق اسناد و نامه‌های تاریخی موجود در فارسیان، خانسواربیک یوزباشی فرزند شهسوار



جشنواره فرهنگی بومی محلی فارسیان گالیکش

سرکرده صد سوار تفنگچی فارسیان در دوره ناصرالدین‌شاه بوده است. در حکم انتصاب میرزا سعدالله خان اول به سرکردگی بلوک فندرسک، رامیان و کوهسار، که توسط فتحعلی شاه در سال ۱۲۴۷ هجری قمری صادر شده و در کتاب از آستارا تا آستارباد چاپ شده، تعداد سواران رامیان ۱۰۴ نفر و تعداد سواران فرسیانی (فارسیان) ۱۰۰ سوار ذکر شده است که نشان می‌دهد که بعد از رامیان و فندرسک، بیشترین سوار تفنگچی در فارسیان مستقر بوده است. تاکنون اسامی ۵ نفر از ده‌باشی‌های فارسیان در اسناد تاریخی و شجره‌نامه طوایف فارسیان مشخص شده است که عبارت‌اند از: علی‌نقی ده‌باشی، حسین ده‌باشی، محمدقلی ده‌باشی، کربلایی ده‌باشی و رضا ده‌باشی.

فارسیان در دوره پهلوی

از سال ۱۳۱۷ که حاجیلر با عنوان مینودشت به بخش ارتقاء می یابد، فارسیان زیر مجموعه این بخش قرار می گیرد. در سال ۱۳۴۲ فارسیان نیز مثل بسیاری از نقاط دیگر شرق استان زیرمجموعه شهرستان گنبدکاوس می گردد و از سال ۱۳۵۸ به بعد به عنوان زیرمجموعه شهرستان مینودشت قرار می گیرد و با شهرستان شدن گالیکش هم اکنون زیرمجموعه این شهرستان است.

مردم فارسیان در تاسیس چند روستا در شرق استان فعلی گلستان نقش اصلی را داشته اند. در اواخر دوره احمد شاه قاجار و با کلانتر شدن فتحعلی، علی کلانتر (علی قاسم خان) به همراه طایفه اش (طایفه نوری) و برخی طوایف دیگر که عموماً دارای نسبت فامیلی با او بودند مثل طایفه رنگرها، ابوالتختی ها، تیره هایی از ملیکان ها، آبل ها و عاشورها و... از فارسیان کوچ کرده و در نزدیکی نیلکوه، روستای کله خر (سرچشمه) را تاسیس می کنند. نخستین ساکنان قریه کوچک گالیکش نیز چند خانوار از مردم فارسیان بودند که ابتدا حد فاصل بانک ملی تا پاساژ سرباز ساکن شده و سپس به ابتدای خیابان فعلی فارسیان در شهر گالیکش نقل مکان می کنند. قریه کوچک گالیکش حدود ۸۰ تا ۹۰ سال قبل توسط حدود هفت تا ده خانوار فارسیانی تاسیس شده است. روستای حسین آباد قربانی از دیگر روستاهایی است که توسط مردم فارسیان تاسیس شده است. از نخستین ساکنان روستاهای سیجان و کرنگ کفر نیز طوایفی از مردم فارسیان بوده اند. جمعیت قابل توجهی از مردم فارسیان به روستاهای چقر، قراول، حسین آباد کالپوش، ینقاق، قلی تپه و دیگر روستاهای شرق استان کوچ کرده و در آنجا ساکن هستند. بیشترین جمعیت فارسیانی های استان در شهر گالیکش ساکن هستند و جمعیت قابل توجهی نیز ساکن گنبد کاووس می باشند.

گویش فارسیانی

یکی از مصادیق میراث ارزشمند مردم فارسیان گالیکش، گویش تاریخی این روستاست. این گویش از نظر ساختار دستوری، گنجینه واژگان و نظام آوایی دارای اشتراکات فراوانی با گویش استرآبادی، سمنانی و طبری (زبان طبری) است و اشتراکاتی نیز با گویش خراسانی دارد. از ویژگی های شاخص گویش فارسیانی، کاربرد فراوان فعل های پیشوندی است. پیشوندهای فعلی در گویش فارسیانی شامل: وا، و، ب، د، فرو، ه، ها و «بر» می باشد. مثل: واژد، و خورد (vokhord)، بزد، دگرفت، فرو بیفتید، هسترد (hostord)، هازد، برشیت. گویش فارسیانی استمرار پارسی گرگانی (شهر قدیم جرجان) و فارسی دری است. همانطور که مقدسی گویش گرگانی و کومشی را نزدیک به هم می داند و می گوید در افعالشان «ها» می آورند، مثل «ها کن» و «هاده»، هنوز این ویژگی در گویش فارسیانی زنده و پویا است و فعل های «ها زن» و «ها کن» هنوز در زبان مردم فارسیان جاریست. گرچه این گویش تاریخی همچون دیگر گویش های زیر مجموعه فارسی دری در معرض انقراض قرار گرفته است.

دلیل اشتراک گویش فارسیانی با پارسی گرگانی (جرجان قدیم) این است که بعد از ویرانی شهر جرجان توسط مهاجمان شمال شرقی و به خصوص تیمور لنگ، فارس‌های این شهر تاریخی پراکنده شده و برخی به دامن البرزکوه از جمله منطقه کوهستانی فارسیان گالیکش پناه بردند و مردم ساکن البرز این گویش را حفظ کردند.

ظرفیت‌های گسترده فارسیان جهت ثبت در فهرست میراث ملی

تاکنون آثار زیر از روستای تاریخی و گردشگری فارسیان به ثبت ملی رسیده است:

۱- تپه تاریخی پاکندس

۲- گردوی فارسیان (جوز بخشی)

۳- آبشار فارسیان



جشنواره فرهنگی بومی محلی فارسیان گالیکش

۴- دریاچه فارسیان

۵- نون قرقروتی

۶- نون کاک

۷- نون کماج

۸- نون آقاندو

۹- نون الزویی

پرونده چند اثر دیگر نیز به سازمان میراث فرهنگی ارسال شده و در آستانه ثبت ملی است.

سفال فارسیان

پوشش تاریخی سقف خانه‌ها، کومه‌ها، انباری‌ها و تنورها در فارسیان قدیم، از سفال بود.

در واقع فارسیان در گذشته روستای سرخ رنگ بوده که تمام سقف‌های آن پوشیده از سفال با کیفیت بوده است. این سفال‌ها در قالب‌هایی بزرگتر از قالب سفال استرآباد پخته می‌شده است. این سفال‌ها در کوره‌های فارسیان درست می‌شد. بعد از سفال، پتک **patak** یا تخته‌های درست شده از درخت مازی در اندازه تخته جعبه و بعد از آن «سیمکا» به عنوان پوشش سقف‌های فارسیان استفاده می‌شد. سقف کومه‌ها و انباری‌ها را گاهی با «گالی» و «چماز» هم می‌پوشاندند.

ابریشم فارسیان

صنعت ابریشم بافی از قدیمی‌ترین صنایع روستای تاریخی فارسیان بوده است. در قباله‌ای تاریخی اشاره شده است که بزرگان فارسیان ابریشم این روستا را در مازندران به فروش



آبشار فارسیان گالیکش

می‌رسانده‌اند. در این قباله نام برخی از بزرگان ایل گرایلی در مازندران مثل **مصطفی خان گرایلی** ذکر شده است. وجود توتستان قدیمی (لته‌های تود) در اطراف فارسیان نشان از رونق پرورش کرم ابریشم در این روستا دارد.

برنج فارسیان

از جمله محصولات تاریخی فارسیان، برنج است. بزرگان فارسیان در گذشته در جلگه گالیکش تا کرنگ کفتر اقدام به کشت شالی می‌کردند. سابقه کشت شالی توسط بزرگان فارسیان در شرق استان به بیش از سیصد سال می‌رسد. ارق (نهر) تاریخی کربلایی صفر در منطقه لوه و کرنگ کفتر و ارق علی دراز رنگرز در ضلع غربی دانشگاه پیام نور گالیکش که هنوز این نهر مورد استفاده کشاورزان است، از نشان‌های کشت تاریخی شالی در شرق

استان است. در قباله‌های تاریخی طایفه گوگلان نیز به «جوی فارسین» اشاره شده که همان ارق علی دراز است و از بزرگان گوگلان خواسته شده که مانع کشت و کار مردم فارسین در جلگه گالیکش نشوند. در حال حاضر کشت شالی توسط مردم فارسین در حاشیه رودخانه فارسین صورت می‌گیرد و یکی از خوش طعم‌ترین برنج‌های استان گلستان است.

برخی سنت‌ها و آداب و رسوم اجتماعی مردم فارسین گالیکش

۱. مراسم سلّه (در عروسی‌ها).
۲. سنت اجتماعی و مهم «یور گرفتن» جهت پیشبرد کارهای عام‌المنفعه و شخصی مردم فارسین به‌خصوص در حوزه‌ی کشاورزی، دامداری، و معماری روستا.
۳. سنت «چکانه» و «گزک» در حوزه‌ی دامداری مردم فارسین.
۴. سنت «چک پیمانه» که در حوزه‌ی فراورده‌های دامی و شیر دام‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت.
۵. دانش‌های سنتی نم‌دبافی، ریسمان‌بافی، چارشو، نومال، چوقا، خَمَنک و چارق‌دوزی.
۶. سنت مذهبی «حسن حسین» محرم در فارسین.
۷. شیوه تهیه و پخت «شیلان» معروف فارسین در شب عاشورای حسینی.
۸. سنت کسن بیک برای بارش باران.
۹. سنت چقله چیقو برای قطع شدن باران.
۱۰. سنت ورد **vard** برای زمین‌های شراکتی که به صورت نوبتی و چرخشی چند زمین مشترک را می‌کاشتند.

در حوزه ورزش‌های محلی و بازی‌های بومی روستای فارسین که بیش از سی مورد است، برخی دارای قابلیت‌های لازم جهت ثبت در فهرست میراث معنوی می‌باشند که عبارت‌اند از:

۱. بازی «دوفر» که معمولاً بازی تابستانه جوانان فارسین است. این بازی جهت ثبت ملی مستندسازی شده و دارای پرونده ثبت در میراث فرهنگی است.
۲. «دوز بازی» که معمولاً بازی زمستانه جوانان به حساب می‌آمده است.
۳. توپ آقاچ که بازی گروهی بسیار پر جنب و جوشی به حساب می‌آید.
۴. کچه بازی **kochche** که به صورت گروهی اجرا می‌شود.

از نمونه آئین بومی فارسین

خاله خاله

سنت «خاله خاله» از معروف‌ترین سنت‌های رایج بین جوانان فارسین در روزهای نزدیک به نوروز بوده است.

ده روز مانده به عید نوروز، جوانان فارسین در گروه‌های چندنفره (۵ نفر، ده نفر، پانزده نفر و...) از اول شب، از فارسین به طرف روستاهای اطراف حرکت و تا صبح سنت «خاله خاله» را اجرا می‌کردند.

یک‌شب به سیجان، عربکلو، خسروآباد و کیارام می‌رفتند و صبح به فارسین برمی‌گشتند.

شب دیگر به پادلل، پنو و فرنگ می‌رفتند و صبح به فارسیان برمی‌گشتند. شب دیگر به براین، سایر و لیرو می‌رفتند و صبح به فارسیان برمی‌گشتند. از روستاهای سیجان، خسروآباد، عربکلو، کیارام، پادلل، پنو، فرنگ، سایر، لیرو هم جوان‌ها به‌صورت گروهی به فارسیان می‌آمدند و سنت «خاله خاله» را اجرا می‌کردند. جوان‌ها در ۱۱ پارچه آبادی که زیر نظر فارسیان بود، این سنت را اجرا می‌کردند. مردم به سنت «خاله خاله» خیلی علاقه داشتند. به خصوص بعد از نصف شب و رو به سحر وقتی جوان‌ها می‌آمدند، بیدار می‌شدند و با خوشحالی به آن‌ها یک عدد «مرغانه» می‌دادند. وقتی اول شب جوان‌ها وارد روستا می‌شدند و شروع به بایتی خوانی و سیرناق زنی می‌کردند، ولوله و هیاهوی زیادی در روستا ایجاد می‌شد که باعث خوشحالی مردم بود. هر خانه‌ای یک «مرغانه» یا یک قران (ده شاهی) که قیمت یک «مرغانه» بود، به جوان‌ها می‌داد. جوان‌ها، صبح مرغانه‌های جمع شده را تقسیم و بعد باهم «مرغانه جنگی» می‌کردند. می‌گفتند: «با سرم، سرته ته مشکمنم». هرکسی مرغانه‌اش می‌شکست، باید تحویل برنده می‌داد. از ده روز مانده به عید تا روز عید «مرغانه جنگی» می‌کردند و بعد از روز عید این بازی تعطیل می‌شد.

گروه‌هایی که برای «خاله خاله» از فارسیان به روستاهای دیگر می‌رفتند، این سنت را به سه شکل انجام می‌دادند:

- ۱- بعضی از گروه‌ها هنگام «خاله خاله» بایتی می‌خواندند. در این گروه‌ها، یک نفر «سیرناق» می‌زد، دو نفر «بایتی» می‌خواندند، دو نفر «مرغانه» جمع می‌کردند، دو تا سه نفر هم مرغانه‌ها را داخل پوتی یا چلک هفده کیلویی می‌گذاشتند. دو سه نفر دیگر پوتی‌ها را درحالی‌که درون کیسه گذاشته بودند، به پشت می‌بسته‌اند.
- ۲- برخی دیگر از گروه‌ها که «بایتی خوان» نداشتند، شعر «دوازده امام» را به‌صورت گروهی می‌خواندند: (متن شعر)

امام اولم آمد به میدان / ملائک بر سرش می‌خواند قرآن
 امام دومین یعنی حسن را / زبان بگشای تا گویم سخن را
 امام سومین شاه شهیدان / به جنت می‌برد ما را به آسان
 امام چهارمین زین العباد است / گل باغ محمد نامراد است
 امام پنجمین خوانم ز باقر / به فریادم برس تا روز آخر
 امام شیشمین خوانم ز جعفر / به فریادم برس تا روز محشر
 امام هفتمین موسای کاظم / ز لطف او همه کارها بسازم
 امام هشتمین امام رضا را / به ما آسان کنی روز جزا را
 امام نهمین ورد زبان است / تقی بخشنده‌ی هر دو جهان است
 امام دهمین خوانم تقی را / شه کشور، امیرالمومنین را

امام یازدهم او عسگری را/ به ما آسان کنی روز جزی را
امام دوازدهم صاحب زمان است/ که او زنده است، عالم در جهان است
۳- بعضی از گروه‌ها به جای بایتی و شعر دوازده امام، این شعر معروف را می‌خواندند:

خاله خاله انجینه

گوشت بره منجینه

حق ما سرسینه

مرغانه دم کلو

بیفتیده به یک پلو

ما گوشت نمی‌خواهیم

ما مرغانه می‌خواهیم

خاله خاله....

منابع:

در نوشتن این مقاله بیشتر از اسناد موجود در آرشیو شخصی نویسنده، مشاهدات میدانی وی و مصاحبه با بزرگان و معمرین محل استفاده شده است.

سایکس سرپرسی، تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، نشر افسون، ۱۳۸۰.

قورخانچی، محمدعلی، نخبه سیفییه، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، نشر تاریخ ایران، تهران، ۱۳۶۰.

ستوده، منوچهر، از آستارا تا استارباد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.